

The Physical Representation of Memory and Place Attachment in the Historic Neighborhoods of Hamedan: An Analytical-Field Study to Identify Identity-Forming Components

Ali Akbar Moradiyan^{1*}, Reza Oryaninezhad²

1-Department of Architecture, Jihad Daneshgahi Institute of Higher Education, Hamedan, Iran.

2-Department of Architecture, Ha.C., Islamic Azad University, Hamedan, Iran

*ali.moradiyan1981@gmail.com

Date of submission: 2025/08/09 Revision: 2025/11/15 Acceptance: 2025/11/21

Abstract

The neighborhood, as a micro-social institution, requires special attention in urban design and policymaking. This paper investigates the relationship between physical design and the sense of place attachment in the historic neighborhoods of Iran, focusing on the cognitive and emotional characteristics of residents. Since humans need to form an emotional bond with their living environment to shape their daily identity, place attachment is one of the most critical dimensions of this connection that must be considered in modern urban planning policies. In this study, the conceptual framework of historic neighborhoods and the factors influencing place attachment are first redefined. Then, using a mixed-method approach combining correlational analysis and a case study of the old neighborhoods of Hamedan, field data were collected and analyzed through self-administered questionnaires and physical-spatial evidence. The analysis demonstrates that physical design—including street structure, the spatial arrangement of neighborhoods, the quality of public spaces, and material-climatic features—plays a decisive role in shaping and strengthening the sense of belonging. The paper concludes that the conscious design of a neighborhood's physical space can simultaneously meet the social and individual needs of residents while enhancing the material and intangible impacts of the environment on people. The findings provide guidance for urban planners and designers in developing conservation and regeneration interventions that are sensitive to local identity. It is recommended that special attention be given to preserving identity-forming structures and spatial patterns, as well as promoting social participation in the planning process.

Keywords: skeletal design, belonging to place, old neighborhoods, environmental factors

بازنمایی کالبدی خاطره و تعلق مکانی در محلات تاریخی همدان: یک مطالعه تحلیلی-میدانی برای شناسایی مؤلفه‌های هویت‌ساز

علی اکبر مرادیان^{۱*}، رضا عریانی نژاد^۲

۱- گروه معماری، موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی، همدان، ایران

۲- گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

*ali.moradiyan1981@gmail.com

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۳۰

بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

چکیده

محل به عنوان یک نهاد اجتماعی خرد، نیازمند توجه ویژه در طراحی و سیاست‌گذاری شهری است. این مقاله رابطه میان طرح کالبدی و حس تعلق به مکان در محلات قدیم ایران را مطالعه می‌کند و بر ویژگی‌های شناختی و عاطفی ساکنان تمرکز دارد؛ زیرا انسان برای شکل‌دادن به هویت روزمره‌اش نیازمند پیوند عاطفی با مکان زیستی خویش است و تعلق به مکان یکی از کلیدی‌ترین ابعاد این پیوند است که باید در سیاست‌های نوین شهرسازی لحاظ شود. در این پژوهش ابتدا چارچوب مفهومی محلات قدیم و مؤلفه‌های مؤثر بر تعلق مکانی بازتعریف شده است. سپس با استفاده از روش ترکیبی همبستگی و مطالعه موردی محلات قدیم همدان، داده‌های میدانی از طریق پرسش‌نامه خوداتکا و شواهد کالبدی-فضایی گردآوری و تحلیل شدند. تحلیل‌ها نشان می‌دهند که طرح کالبدی، از جمله ساختار معابر، آرایش فضایی محلات، کیفیت فضاهای عمومی و ویژگی‌های اقلیمی-مادی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری و تقویت حس تعلق دارد. بر این اساس، طراحی آگاهانه فضای کالبدی محل می‌تواند هم‌زمان نیازهای اجتماعی و فردی ساکنان را برآورده سازد و تأثیرات مادی و معنوی محیط بر انسان را تقویت کند. یافته‌ها راهنمایی برای برنامه‌ریزان شهری و طراحان در جهت تدوین مداخلات حفاظتی و بازسازی حساس به هویت محلی فراهم می‌آورد و پیشنهاد می‌کند توجه ویژه‌ای به حفظ سازه‌ها و الگوهای فضایی هویت‌ساز و نیز مشارکت اجتماعی در فرآیند طرح‌ریزی صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: طرح کالبدی، تعلق به مکان، محلات قدیم، عوامل محیطی

۱. مقدمه

هدف این مقاله بررسی رابطه میان طرح کالبدی و حس تعلق به مکان در محلات قدیم ایران است و تمرکز آن بر ویژگی‌های شناختی ساکنان این محلات می‌باشد (xu,1995). مکان دو بُعد اصلی دارد: یک بُعد حسی-انسانی و یک بُعد مکانی-معمارانه، که هر دو می‌توانند بستر مناسبی برای تحلیل ارتباط میان طراحی کالبدی و بازتاب‌های حسی و رفتارهای انسانی فراهم سازند (xu,1995). حس مثبت نسبت به مکان علاوه بر ایجاد احساس راحتی در فرد، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم و از روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در آن مکان حمایت می‌کند و به یادآوری تجربیات گذشته و دستیابی به هویت کمک می‌نماید (xu,1995). نظریه‌های معماری برای فهم معانی و مفاهیم محیط‌های انسان‌ساخت غالباً بر ویژگی‌های کالبدی تأکید دارند، در حالی که پژوهش‌های مرتبط با «مکان» رابطه میان محیط و رفتار را با اتکا بر مفاهیم و معانی محیط انسان‌ساخت مورد مطالعه قرار داده‌اند (groat and desores,1991,74). پژوهشگران طراحی شهری نیز تلاش کرده‌اند چارچوب‌های نظری جامع‌تری برای تحلیل رابطه انسان و محیط زندگی تدوین کنند؛ از جمله تلاش‌های بنتلی و همکاران (۱۳۸۲) که با هدف ایجاد جامعیت در پژوهش‌های پیشین لینچ، ایلپارد و دیگران انجام شده است (عینی‌فر، ۱۳۸۸).

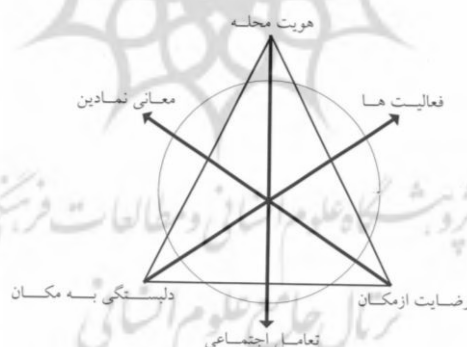
با توجه به اینکه مفهوم مکان ترکیبی از ویژگی‌های کالبدی، معانی ادراکی و فعالیت‌ها است، طرح کالبدی به‌عنوان یکی از عوامل محیطی مؤثر در ایجاد حس تعلق به مکان و احساس تعلق کاربران شناخته می‌شود؛ این تأثیر معمولاً به‌صورت مستقیم یا جبری نیست، بلکه به‌عنوان منبعی شناختی و ادراکی در بستر فعالیت‌های روزمره عمل می‌نماید و از طریق ایجاد تصاویر ذهنی و تسهیل انجام فعالیت‌ها و رفتارهای خاص بروز می‌کند (xu,1995). این پژوهش به بررسی رابطه میان تعلق به مکان و طرح کالبدی در محلات قدیمی می‌پردازد و فرض می‌گیرد میان حس تعلق به مکان و ادراک و شناخت مکان از سوی خرد فرد رابطه‌ای مثبت وجود دارد، به‌گونه‌ای که فرد خود را با مکان بازمی‌شناسد (groat and desores,1991,74).

پرسش‌های اصلی تحقیق عبارتند از: آیا بین عناصر طرح کالبدی محلات قدیمی و حس تعلق به مکان در ساکنان آن‌ها رابطه‌ای وجود دارد؟ و آیا میان تعلق مکانی و کارایی مکان از نظر دستیابی فرد به اهداف موردنظرش - از جمله توانایی مکان در فراهم آوردن فرصت‌های برقراری روابط اجتماعی و تجربه مشترک - رابطه‌ای قابل تشخیص هست یا خیر؟ (xu,1995). با عنایت به موضوع و فرضیه‌های پژوهش، برای تبیین مفهوم تعلق به مکان در محلات قدیم ابتدا به تعریف و معرفی محلات قدیمی ایران پرداخته می‌شود و عناصر و فضاهای کالبدی محله مورد توجه قرار می‌گیرد؛ بررسی دقیق ماهیت حس تعلق به مکان و مفاهیم مرتبط با آن هدف اولیه و نظری این پژوهش است (groat and desores,1991,74). هدف عملی پژوهش، شناخت متغیرهای کالبدی اصلی مؤثر در ایجاد حس تعلق به مکان در محلات قدیم و بررسی این حس با روش‌های علمی و تجربی است، و هدف نهایی اثبات فرضیه‌ها از طریق انتخاب مدل تحقیق مناسب، بررسی نمونه‌های موردی و ارائه راهکارهایی برای بهبود طراحی است (bentley et al.,1382). بخش نظری این پژوهش با رویکرد استنتاجی به بررسی نظریه‌های موجود در زمینه تعلق به مکان و چگونگی ادراک آن توسط مردم می‌پردازد و عوامل مؤثر بر این حس را تحلیل کرده و در پایان فرضیه‌هایی را برای آزمون پیشنهاد می‌نماید (عینی‌فر، ۱۳۸۸). بخش تجربی مطالعه با استفاده از تحقیق پیمایشی و رویکرد تحلیلی، فرضیه‌ها را آزمون می‌کند؛ استراتژی پژوهش ترکیبی و در قالب مطالعه موردی است که عمده‌تأ مبتنی بر روش همبستگی می‌باشد (groat and desores,1991,74). تاکتیک پژوهشی در این استراتژی پرسش‌نامه خوداتکا بوده و برای تحلیل داده‌ها و سنجش روابط میان متغیرها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است، و آزمون فرضیه‌ها با ترکیب تحلیل‌های کمی و استنتاج‌های کیفی انجام پذیرفته است (bentley et al.,1382).

- شناخت و معرفی ویژگی‌های محلات قدیم

تاریخ زندگی شهری در ایران نشان می‌دهد که شیوه‌ی زیست مبنی بر هویت محله‌ای بوده است. در شهرهای ایران همبستگی محله‌ای مبنی بر محله‌ها بود (جمشیدیها و دیگران، ۱۳۹۳). محله بزرگترین و در عین حال صمیمی‌ترین گروه اجتماعی در یک جامعه‌ی شهری است، اندازه‌ی محیط اجتماعی، اشتراک در محل اقامت و کیفیت روابط اجتماعی از عناصر مهم در تعریف محله محسوب می‌شود.

شوند (Fisher, 1976, 102). لینچ تعریف خاص خود را از محل چنین بیان می کند: « محله قسمت نسبتاً بزرگی از شهر است که واجد خصوصیات یک دست و مشابه می باشد و ناظر عملاً باید بتواند به آن وارد شود (lynch, 1960, 126). شهرهای قبل از اسلام بر اساس نظام طبقاتی حاکم بر جامعه سازماندهی شده است که شامل کهنه‌دژ، شارس‌ستان و رض بود. و با حضور اسلام تغییرات فراوانی در جوامع مختلف گسترش یافت و محله‌های بر اساس معیارهای فکری، قومی - قبیله‌ای، مذهبی، شغلی و غیره ساکنان شکل گرفتند، طوری که این روش محله بندی موجب معنادار شدن و هویت بخشی اجزای مختلف شهر همچون، محله، راه، خانه، فضاهای عمومی و غیره برای ساکنین و حتی بیگانگان شد. (پیر بابایی، سجاد زاده، ۱۳۹۰) محله واقعی است طبیعی و هرکجا که گروهی از افراد با یکدیگر زندگی کنند محله نیز امکان زیست پیدا می کند. به عبارت دیگر محلات همان قدر قدمت دارند که واحدهای خانوار و خویشاوندی دارا می باشند (بنرجی و بار، ۱۹۸۴، ۲) ولمن و لیتون (۱۹۷۹) در تعریف محله، به طور عمده، در سه بخش متذکر می شوند: ۱. روابط ۲. سکونت در یک محدوده عمومی و مشترک ۳. اتحاد و انسجام در احساس ها و فعالیت ها (wellman & Leighton, 1979) هرکسی، با هر فرهنگ، در هر محدوده جغرافیایی و در هر زمانی، در مورد محله و مفهوم آن بررسی و اظهار نظر کند، ناچاره به پذیرش فرضیاتی است که بدهی ترین آنها اطلاق مفهوم مکان به «محله» است. (نقی زاده، ۱۳۸۷، ۱۳۸) در فرهنگ غربی که فردگرایی اساسی جهان بینی است، دنیای خارج از زندگی خصوصی، قلمرو عمومی نامیده می شود (Robin son, 1994). این در حالی است که، منظور از اجتماع محلی، به وجود آمدن گروه های اجتماعی با اندازه مناسب برای قلمرو کالبدی تعریف شده است، بگونه ای که اجتماعی بوجود می آید، واسطه مناسبی برای شکل گیری نهادها، تعلقات اجتماعی متناسب با اندازه خود باشد. (عینی فر، ۱۳۸۸) محله در شهرهای اسلامی همان مکان های تشکیل شبکه های اجتماعی اند و چنین ساختاری بیش از آنکه تنها یک فضا باشند، یک تجربه اند (نقی زاده، ۱۳۸۷، ۱۴۵) در محله های مسکونی، فعالیت ها در فضاهای باز خصوصی واحدهای مسکونی، فضاهای عمومی همچون خیابان ها و فضاهای سبز و محیط های گذران اوقات فراغت به وقوع می پیوندند. (عینی فر، ۱۳۸۸)

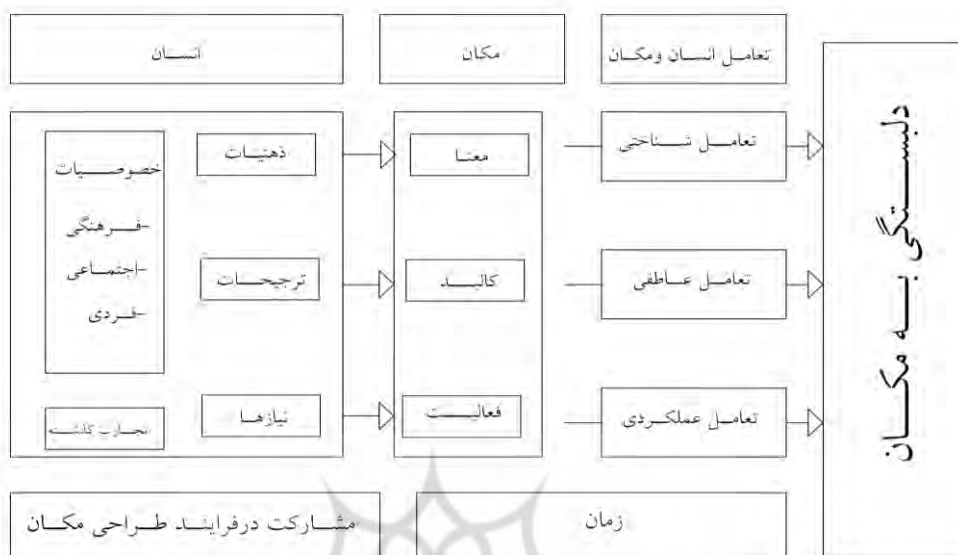


مدل ۱-پیشنهادی تحلیل تجربه محله مسکونی. مأخذ (Einifar, 1996)

علی رغم وجود عوامل وحدت بخش در سازمان و کالبد بافت های مسکونی در شهرها، هر یک از محلات به همراه مرکز آنها شامل فرم های مختلف باتنوعات کالبدی، فعالیتی و در نتیجه اجتماع پذیری خاصی می باشند. (پیر بابایی، سجاد زاده، ۱۳۹۰) برخلاف واحدهای همسایگی با مجتمع های زیستی امروزی که شعاع عملکردهای رفاهی و یا خیابان کشی ها عامل تعیین کننده و مرزبندی محدود آن می باشد، روابط اجتماعی، مالکیت خانه، مسجد و..... حریم محلات گذشته را تعیین می کنند (پورجعفر، ۱۳۷۶: ۵۶) برای تعریف سامانه فعالیت های محلی، باید متغیرهایی چون چرخه زندگی، سن، جنسیت، تحصیل، درآمد و دیگر ویژگی های اجتماعی-جمعیتی در نظر گرفته شود. (عینی فر، ۱۳۸۸) در هر محیط فرهنگی، ویژگی های نهفته شیوه ی زندگی به طور مستقیم و غیر مستقیم بر فعالیت ها اثر می گذارند (rapopor, 1986) محیط (مکان) شامل فضایی برای تحقق شرایط سکونت افرادی است که در آن محله زندگی می کنند و یا برای انجام امری یا دریافت خدماتی به آنجا مراجعه می کنند. مسجد، مدرسه، تکیه، حسینیه، خانقاه، درالشفاء، عناصر مهم غیر مسکونی بافت محله ها هستند. هر محله معمولاً مرکزی داشت با عناصر عملکردی خاص در مقیاس محله که مسجد و بازارچه عناصر اصلی مرکز محلات را تشکیل می داد. گاهی اوقات هر چند محله، دارای یک مرکز محله بوده و یک محله اصلی شامل چند زیر محله نیز بوده است (نقی زاده، ۱۳۸۷، ۱۵۱)

- تعریف و تبیین تعلق به مکان

تعلق به مکان به رابطه حسی و عاطفی فرد با مکان اشاره دارد. پیوندی عاطفی میان افراد و محیط زندگی است (Gerson, et, 1977). دل‌بستگی معنوی پدیده‌ای روانشناختی است که با ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی محیط تعیین می‌شود. (عینی فر، ۱۳۸۸) کیفیت طراحی، حق انتخاب محل سکونت، ویژگی‌های فردی ساکنان عوامل مهمی در تعیین میزان حس تعلق به محیط مسکونی اند (midelson, 1977). تعلق به مکان یک بعد از کلیات حس مکان و وابستگی عاطفی مثبت است که بین فرد و مکان توسعه می‌یابد. (Stedman, 2003, 674) تعریف کننده‌ی احساسات فرد نسبت به یک موقعیت جغرافیایی است که به طور حسی فرد را به آن مکان گره می‌زند، درواقع یک تجربه مثبت از مکان است (rubinstein&parmelee, 1992, 139) تعلق داشتن به مکان برخاسته از فعالیت‌ها و تعاملات بین استان- مکان و انسان - انسان در یک مکان خاص است (Altman, 1922&relph, 1976). و با تاثیر متقابل احساسات، دانش، باورها و رفتارها، با مکانی خاص سروکار دارد. (proshansky et al, 1983, 55). حس تعلق به مکان یا اجتماع محلی تا حدودی وابسته به ویژگی‌های عینی محیط انسان ساخت و ادراک ذهنی افراد استفاده کننده از این محیط هاست (gerson et al, 1977) تعلق به مکان بعنوان یک واسطه احساسی خوب بین افراد و محیط‌های سکونت آنها تعریف شده است (shumaker&Taylor, 1983) این واسطه باعث احساس آسایش و امنیت می‌گردد (ریولین، ۱۹۸۲) عوامل متعددی بر دل‌بستگی مردم نسبت به مکان‌ها تاثیر می‌گذارند. شوماکر و تیلور (۱۹۸۳) تجامنی را میان نیازها و اهداف خود، منابع محیطی، تصمیم فرد برای ماندن یا ترک محیط و گبرایی بخش‌های مهم فرآیند تعلق یافتند. (مک اندرو، ۱۳۸۷) افرادی که به شدت به مکان یا خانه‌ای وابسته هستند اگر مجبور به ترک آن شوند دچار آشفتگی شدید می‌گردند. افراد با تعلق قوی دارای ریشه‌ای محکم، انگیزش کمتر برای جابجایی و رضایت بیشتر در محل سکونت خود هستند (shumaker&Taylor, 1983) شومیکرو و تیلور مدلی برای تعلق مکانی پیشنهاد کرده‌اند که پنج مفهوم را برای آن معرفی می‌کنند: منحصر به فرد بودن کالبد یک مکان، محدوده‌های کالبدی، سازگاری میان زندگی اجتماعی و ویژگی‌های مکان، همگونی گروهی، همبستگی گروهی عوامل تعیین کننده حس تعلق به مکان است (tylor&shumaker, 1983) در روند شکل‌گیری دل‌بستگی به مکان، دو عنصر انسان و مکان از طریق عنصر سوم تعامل انسان و مکان به لحاظ شناختی، عاطفی و عملکردی، وارد طی یک فرایند می‌گردند که در این فرایند عامل چهارم یا زمان نیز قابل طرح می‌باشد. حال اگر از منظر یک طراح به نتایج حاصل از مطالعات گذشته و نیز مقوله انسان و مکان بنگریم می‌توان عامل پنجم مشارکت در فرایند طراحی مکان را نیز به این مجموعه افزود. بنابراین حرکت طراحان به سمت ارتقاء دل‌بستگی به مکان در فضاهای گوناگون مستلزم عنایت به این عوامل پنجگانه می‌باشد که در ادامه به آن اشاره گردیده است (چرخیان، ۱۳۸۸)



مدل ۲- تبیین شده از فرایند دلبستگی به مکان. (مأخذ: چرخچیان)

- عوامل موثر در شکل گیری تعلق به مکان:

بر اساس مطالعاتی که در زمینه تعلق به مکان انجام شده است عوامل مختلف معرفی شده است که می توان به نقش عوامل فردی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی در این رابطه اشاره کرد. در ادامه نقش بعضی از این عوامل را بررسی می کنیم:

۱- عوامل کالبدی: مطالعاتی که استدمن در این رابطه انجام داده اشاره دارد به این که عوامل کالبدی نقشی مستقیم بر ایجاد رضایتمندی و تعلق مکانی دارد که در عین حال تاثیر گرفته از معانی نمادین مکان نیز است (Stedman, 2003). زمینه و بستر، وجود خدمات و تسهیلات، موقعیت قرارگیری مکان در زمینه شهری و نحوه ارتباط با پیرامون و بسیاری مشخصات دیگر، از جمله مواردی هستند که در مطالعات به آن اشاره گردیده است (چرخچیان، ۱۳۸۸).

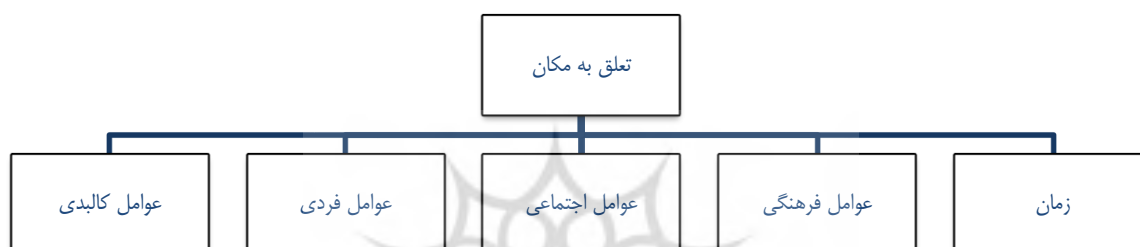
۲- عوامل فردی: میزان تعلق به مکان در افراد گوناگون متفاوت است. انسان ها به عنوان یک موجود نیازهای مادی، معنوی مختلفی دارند که در طول حیات خود به دنبال تامین آن هستند. مازلو این نیازها را به صورت اولویت بندی شده معرفی نموده است. تامین نیازهای انسان به صورت سلسله مراتبی خاص است. مهمترین نیازها که در صدر هرم مازلو قرار دارد، نیاز به خود شکوفایی است که لازمه آن تامین نیازهای ماقبل خود است. انسان ها، میل به بروز ظهور استعدادهای فطری دارد (لنگ، ۱۳۸۶). داوی در مورد عوامل فردی می گوید: «مکان ها انعکاس دهنده هویت ها، تفاوت ها، رقابت در گروه های مختلف بر اساس جنسیت، طبقه، مذهب، قوم، فرهنگ و مذهب و نشان دهنده گرایش های سیاسی افراد، قدرت، آزادی، علاق و نظام اجتماعی و علایق مشترک در انگیزه مصرف اند» (Dovey, 1991, 1). در تبیین ویژگی های فردی، و نقش آن در نحوه تعامل با مکان به عوامل مختلفی چون سن، جنس، درآمد، وضعیت تاهل، تحصیلات، طبقه اجتماعی و شغل اشاره گردیده، در این رابطه تمایزات فردی و نیازها، اشتغال های زندگی، تعریف فرد از زندگی، نحوه اندیشه، ادراک، تصورات و مقاصد فردی شخص در رابطه با مکان، پیش زمینه ها و باورها و ارزش های فردی نیز در این زمینه نقش دارند (چرخچیان، ۱۳۸۸).

۳- عوامل اجتماعی: علاوه بر بعد فردی و کالبدی، مکان با بعد اجتماعی آن نیز سروکار دارد. ادراک همگونی یا وحدت اجتماعی در استفاده از فضاهای عمومی محله موثر است. تعلق به مکان با رشد تعامل مثبت افراد و تطابق اجتماعی آنها در مکان توسعه می یابد و میزان افزایش حس تعلق با تعاملات اجتماعی رابطه ای مستقیم دارد (Mesch & Manoer, 1998). در فرهنگ هایی که روابط متقابل اجتماعی، به جای نزدیکی کالبدی، بر اساس تشکیل جوامع با علائق خاص شکل میگیرد، از فضاهای باز محله کمتر استفاده می شود (عینی فر، ۱۳۸۸). دریافت فضای اجتماعی مناسب از سوی افراد، موجب افزایش رضایت و تشویق ارتباطات نزدیک و مشارکت در فعالیت های اجتماعی و در نتیجه

سبب توسعه و بهبود تعلق داشتن به مکان در آنها می شد (cohn&shinar,1985) در بسیاری از موارد با افزایش تعلق به مکان در شرایط کالبدی نامناسب با عوامل اجتماعی مکان توجیه گردیده است (bonaiuto et al ,2002)

۴- عوامل فرهنگی : تعلق به مکان وابسته به فعالیت هایی است که افراد در قلب مقتضیات فرهنگی خود انجام می دهند (altman,1992) آیین ها و روایدهای فرهنگی و مذهبی در ایجاد حس تعلق نقش اساسی دارند (عینی، فر، ۱۳۸۸). فرهنگ از جمله عواملی است که به دلیل نقش خود در شکل گیری ترجیحات مکانی بر نوع تعاملات گروه ها با مکان نیز تاثیر گذار است (چرخیان، ۱۳۸۸)

۵- زمان: مدت زمان آشنایی و سکونت افراد با یک مکان نیز تا حدودی می تواند بر افزایش حس تعلق به مکان موثر باشد عامل زمان در بزرگسالان و کودکان به عنوان تعیین کننده درمیزان دلبستگی به مکان مطرح گردیده است (chen&shinar,1985)



مدل ۳- عوامل تاثیر گذار بر حس تعلق به مکان، ماخذ: نگارندگان

رابطه طرح کالبدی و حس تعلق در محلات

یکی از مهمترین عناصر محله به عنوان واحد ساختار بخش، نظم دهنده و نماد دهنده ی جامعه شهری، هویت و تعلق مکانی است. احساس تعلق فرآیندی است که طی آن احساس مسئولیت افزایش می یابد و به دنبال آن مشارکت تحقق می پذیرد (ناطق پور، ۱۳۸۳) عناصر کالبدی محله مسکونی از قبیل کیفیت واحدهای مسکونی، خیابان ها، فضاهای سبز و غیره در بالابردن تعلق به محله سهیم اند. مجموعه های طراحی شده و با کیفیت ساخت مطلوب اجازه میدهند بسیاری از نیازهای مردم که در بالابردن حس تعلق آنها به محله موثرند، بهتر برآورده شوند. این درحالی است که احتمال دلبستگی مردم به محله، در محله های مسکونی با کیفیت تر پایین تر کمتر است (freid,1982). در این مورد، هویت کالبدی یا طراحی هدایت شده و هماهنگ مجموعه های مسکونی نیز عامل مهم دیگری عنوان شده است. ادراک هویت کالبدی که به افزایش امکان تعلق به محله منجر می شود، ممکن است در طول زمان به نمادی از شان اجتماعی ساکنان نیز تبدیل شود (عینی، فر، ۱۳۸۸) طراحی کالبدی مناسب می تواند بستر ساز تعامل اجتماعی و فعالیت هایی در مقیاس محله شود. در این راستا پس از بررسی عوامل موثر بر این حس نهایتاً چند عامل مهم بر تعلق به مکان تاثیر می گذارد.

حس تعلق به مکان ↔ طرح کالبدی محله

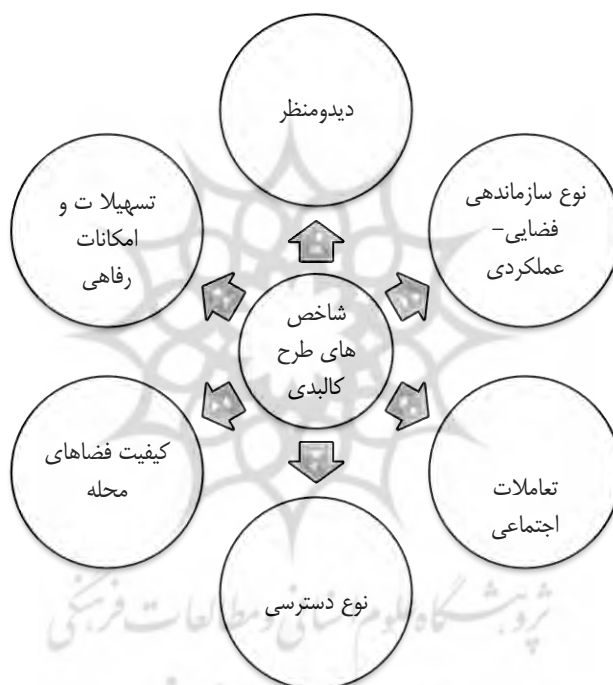
عامل طرح کالبدی بعنوان متغیر مستقل اصلی مورد بررسی قرار می گیرد و سه عامل دیگر به عنوان متغیر مستقل نامربوط میباشند. با مطالعه میدانی و انتخاب نمونه های موردی این حس و عوامل تاثیر گذار آن مورد بررسی قرار می گیرد.

شناخت و معرفی محلات قدیمی مورد مطالعه

با مطالعه میدانی و انتخاب نمونه های موردی حس تعلق به مکان و رابطه آن را با طرح کالبدی محلات مورد بررسی قرار گرفت. دو نمونه از محلات قدیم شهر همدان برای پژوهش انتخاب شده شهر همدان با داشتن پیشینه ای چندین هزار ساله دارای محلات قدیمی و بناهای تاریخی ارزشمند است در گذشته نزدیک به ۴۸ محله در شهر همدان وجود داشته که به مرور زمان و تغییر بافت شهری، بسیاری از این محلات از بین رفتند و تنها چند محله هنوز بافت قدیمی خود را حفظ کرده اند. با توجه به این که محلات قدیم به علت تغییرات زیاد و ساخت و سازهای فراوانی که انجام شده است بافت سنتی خود را از دست داده اند، در این پژوهش سعی شده دو نمونه از محله هایی که مرکز محله نسبتاً سالمتری دارند را انتخاب نماییم. محله کلیا و محله کبابیان از محله های سنتی و تقریباً پابرجا در شهر همدان است که

کارکرد خود را از دست نداده و هنوز انسجام گذشته را دارند، در این محلات عناصر کالبدی همچون مسجد، حمام، مغازه های تجاری برای رفع نیازها و مایحتاج روزانه مردم هنوز هم برقرار است. برای بررسی عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی سؤالاتی مطرح می شود، که تمامی موارد زیر را که همه از زیر مجموعه های این عوامل می باشد دربر گیرد:

- جمعیت شناختی (سن، جنسیت، سواد)
- نوع رابطه فرد با مکان (مالک-مستاجر)
- نحوه گزینش مکان
- سبک، زندگی



مدل ۴- شاخص های طرح کالبدی (منبع: نگارندگان)

برای بررسی محلات قدیمی مسکونی مورد مطالعه، پرسشنامه سنجش شاخص ها تهیه و تنظیم شده و در بین ساکنین محلات مورد مطالعه توزیع شده و اطلاعات جمع آوری شده با نرم افزار SPSS تحلیل شدند.

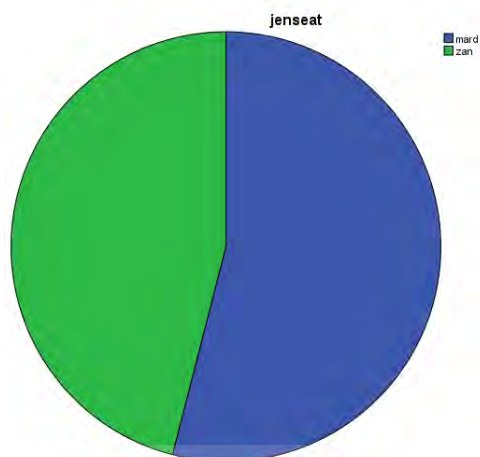
آمار توصیفی :

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی شرکت کنندگان

گروه	فراوانی	درصد	درصد صحیح	درصد تجمعی
مرد	۵۴	۵۶٪	۵۶٪	۵۴
زن	۴۶	۴۶٪	۴۶٪	۱۰۰

۱۰	۱۰٪	۱۰٪	۱۰	۳۵_۲۵	سن
۲۱	۱۴٪	۱۴٪	۱۴	۴۵_۳۶	
۵۷	۳۳٪	۳۳٪	۳۳	۵۵_۴۶	
۷۸	۲۱٪	۲۱٪	۲۱	۶۵_۵۶	
۱۰۰	۲۲٪	۲۲٪	۲۲	۷۵_۶۶	
۴۹	۴۹٪	۴۹٪	۴۹	مستاجر	مالکیت
۱۰۰	۵۱٪	۵۱٪	۵۱	مالک	
۳۱	۳۱٪	۳۱٪	۳۱	زیر دیپلم	تحصیلات
۶۱	۳۰٪	۳۰٪	۳۰	دیپلم	
۷۱	۱۰٪	۱۰٪	۱۰	کارشناسی	
۱۰۰	۲۹٪	۲۹٪	۲۹	بالتر از کارشناسی	
۵۰	۵۰٪	۵۰٪	۵۰	کبابیان	محلّه
۱۰۰	۵۰٪	۵۰٪	۵۰	کلپا	

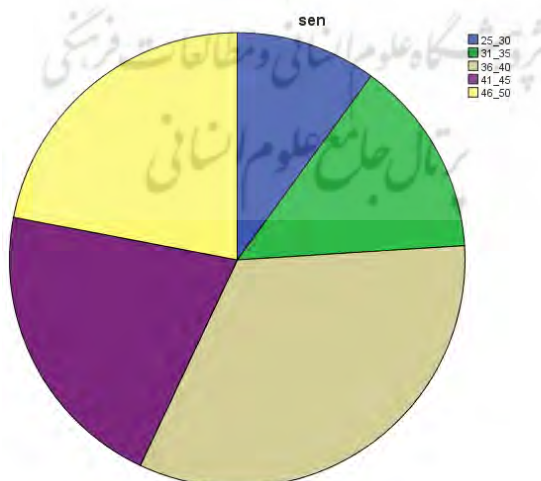
با توجه به جدول فوق می توان نتیجه گرفت که مردان با درصد فراوانی ۵۴٪ بیشترین تعداد شرکت کنندگان و مابقی زنان می باشند. همچنین بیشترین تعداد شرکت کنندگان دارای مدرک تحصیلی زیر دیپلم (۳۱٪) و کمترین آنها با درصد فراوانی ۱۰٪ دارای مدرک تحصیلی کارشناسی می باشند. از طرفی ۶۱٪ شرکت کنندگان مدرکشان دیپلم و کمتر از دیپلم می باشد. از طرفی می توان نتیجه گرفت که بیشتر شرکت کنندگان با درصد فراوانی ۵۱٪ صاحب ملک بوده و تنها ۴۹٪ مستاجر می باشند. شرکت کنندگان مورد آزمون در پژوهش حاضر به تعداد ۱۰۰ نفر و همچنین بطور مساوی در هر دو محلّه کبابیان و کلپا مورد سنجش قرار گرفته اند.



نمودار شماره ۱: نمودار دایره ای توزیع فراوانی شرکت کنندگان براساس جنسیت

جنسیت

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
mard	54	54.0	54.0	54.0
zan	46	46.0	46.0	100.0
Total	100	100.0	100.0	

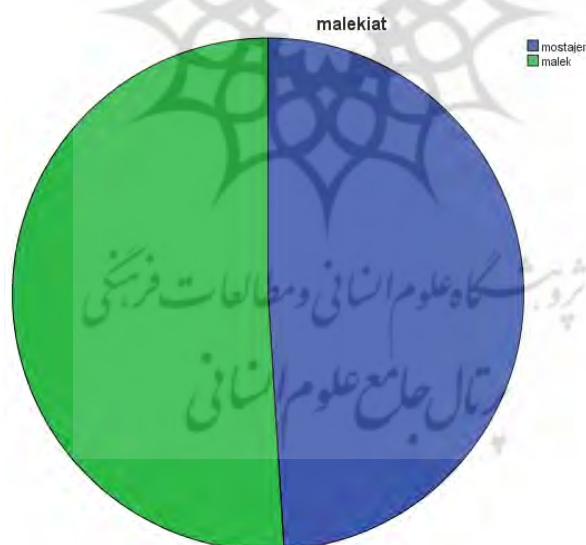


نمودار شماره ۲: نمودار دایره ای توزیع فراوانی شرکت کنندگان براساس سن

	فراوانی	درصد	درصد صحیح	درصد تجمعی
Valid 25_35	10	10.0	10.0	10.0
36_45	14	14.0	14.0	24.0
46_55	33	33.0	33.0	57.0
56_65	21	21.0	21.0	78.0
66_75	22	22.0	22.0	100.0
Total	100	100.0	100.0	

تحصیلات

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid zirdiplom	31	31.0	31.0	31.0
diplom	30	30.0	30.0	61.0
karshenasi	10	10.0	10.0	71.0
balatar	29	29.0	29.0	100.0
Total	100	100.0	100.0	



نمودار شماره ۳ نمودار دایره ای توزیع فراوانی شرکت کنندگان براساس نوع مالکیت

مالکیت

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid mostajer	49	49.0	49.0	49.0
malek	51	51.0	51.0	100.0
Total	100	100.0	100.0	

جدول شماره ۲ شاخص های آماری مربوط به مدت اقامت در مجتمع و سن شرکت کنندگان را مورد سنجش قرار می دهد.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی شرکت کنندگان برحسب مدت اقامت در مجتمع و سن

متغیر	میانگین	میان	نما	انحراف استاندارد	واریانس	حداقل	حداکثر
مدت اقامت	۱۱	۹	۸	۹	۸۴/۰۶۸	۶	۴۱
سن	۳۷	۳۰	۳۰	۱۳	۱۷۹	۲۵	۷۵

توزیع فراوانی

	eghamat	sn
N Valid	100	100
Missing	1	1
Mean	11.00	37.00
Std. Error of Mean	.000	1.000
Median	9.00	30.00
Mode	8	30
Std. Deviation	9.000	13.000
Variance	84.068	179.000
Minimum	6	25
Maximum	41	75

با توجه به جدول فوق می توان گفت که میانگین مدت اقامت ساکنین در هر دو محله ۱۱ سال و انحراف استاندارد آن نیز ۹ سال می باشد. همچنین کمترین سابقه برابر ۶ سال و بیشترین سابقه ۴۱ سال می باشد. از طرفی میانگین سن در هر دو محله ۳۷ سال و انحراف استاندارد آن نیز ۱۳ سال می باشد. همچنین محدود سنی شرکت کنندگان ۵۰ سال می باشد.

بین حس تعلق به مکان و تعاملات: ضریب همبستگی بین متغیر وابسته با متغیر مستقل تعاملات وجود ندارد ولی در سطح معناداری ۹۹ درصدی رابطه معناداری وجود دارد و فرض صفر رد می شود.

Correlations

		taalogh	taamolot
Spearman's rho	Correlation Coefficient	1.000	.000
	Sig. (2-tailed)	.	.000
	N	100	100
	Correlation Coefficient	.000	1.000
	Sig. (2-tailed)	.000	.
	N	100	100

بین حس تعلق به مکان و تسهیلات: متغیر تسهیلات دارای همبستگی منفی میباشد و با افزایش متغیر وابسته متغیر مستقل کاهش می یابد و متغیر مذکور با متغیر وابسته (حس تعلق به مکان) رابطه معناداری ۹۹ درصدی دارند و فرض صفر رد می شود.

Correlations

		taalogh	tashilat
Spearman's rho	Correlation Coefficient	1.000	-.017
	Sig. (2-tailed)	.	.000
	N	100	100

tashilat	Correlation Coefficient	-.017	1.000
	Sig. (2-tailed)	.000	.
	N	100	100

بین حس تعلق به مکان و دسترسی: ضریب همبستگی بین متغیر وابسته با متغیر دسترسی وجود ندارد ولی در سطح معناداری ۹۹ درصدی رابطه معناداری وجود دارد و فرض صفر رد می شود.

Correlations

		taalogh	dastresi
Spearman's rho	Correlation Coefficient	1.000	.000
	Sig. (2-tailed)	.	.000
	N	100	100
dastresi	Correlation Coefficient	.000	1.000
	Sig. (2-tailed)	.000	.
	N	100	100

بین حس تعلق به مکان و کیفیت: متغیر تسهیلات دارای همبستگی منفی میباشد و با افزایش متغیر وابسته متغیر مستقل کاهش می یابد و متغیر مذکور با متغیر وابسته (حس تعلق به مکان) رابطه معناداری ۹۹ درصدی دارند و فرض صفر رد می شود.

Correlations

		taalogh	keyfiat
Spearman's rho	Correlation Coefficient	1.000	-.076
	Sig. (2-tailed)	.	.000
	N	100	100
keyfiat	Correlation Coefficient	-.076	1.000
	Sig. (2-tailed)	.000	.
	N	100	100

بین حس تعلق به مکان و دید و منظر: ضریب همبستگی بین متغیر وابسته با متغیر مستقل دید و منظر وجود ندارد ولی در سطح معناداری ۹۹ درصدی رابطه معناداری وجود دارد و فرض صفر رد می شود.

Correlations

		taalogh	didomanzar
Spearman's rho	Correlation Coefficient	1.000	.000
	Sig. (2-tailed)	.	.000
	N	100	100
didomanzar	Correlation Coefficient	.000	1.000
	Sig. (2-tailed)	.000	.
	N	100	100

بین حس تعلق به مکان و سازمندی: متغیر تسهیلات دارای همبستگی منفی میباشد و با افزایش متغیر وابسته متغیر مستقل کاهش می یابد و متغیر مذکور با متغیر وابسته (حس تعلق به مکان) رابطه معناداری ۹۹ درصدی دارند و فرض صفر رد می شود.

Correlations

		taalogh	sazmandehi
Spearman's rho	Correlation Coefficient	1.000	-.017

sazmandehi	Sig. (2-tailed)	.	.000
	N	100	100
	Correlation Coefficient	-.017	1.000
	Sig. (2-tailed)	.000	.
	N	100	100

فرضیه اول: بین حس تعلق به مکان و متغیرهای تعاملات اجتماعی، تسهیلات و امکانات رفاهی، نوع دسترسی، سازمندی، کیفیت فضای داخلی و دید و منظر (متغیرهای کالبدی) رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه صفر: بین حس تعلق به مکان و متغیرهای تعاملات اجتماعی، تسهیلات و امکانات رفاهی، نوع دسترسی، سازمندی، کیفیت فضای داخلی و دید و منظر (متغیرهای کالبدی) رابطه معناداری وجود ندارد.

برای اثبات فرضیه فوق از آزمون همبستگی غیر پارامتری اسپیرمن استفاده شده است.

جدول شماره ۳ به بررسی ارتباط معناداری بین حس تعلق به مکان با متغیرهای تعاملات اجتماعی، تسهیلات و امکانات رفاهی، نوع دسترسی، سازمندی، کیفیت فضای داخلی و دید و منظر می پردازد.

جدول شماره ۳: ارتباط بین متغیر وابسته با متغیرهای مستقل پژوهش

متغیرهای مستقل شاخص های آماری	تعاملات	تسهیلات	دسترسی	کیفیت	دید و منظر	سازمندی
ضریب همبستگی	.000	-.017	.000	-.076	.000	-.017
سطح معناداری	.000	.000	.000	.000	.000	.000

نتیجه گیری

بین حس تعلق به مکان و متغیرهای تعاملات اجتماعی، تسهیلات و امکانات رفاهی، نوع دسترسی، سازمندی، کیفیت فضای داخلی و دید و منظر (متغیرهای کالبدی) رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی بین متغیر وابسته با متغیرهای مستقل تعاملات، دسترسی و دید و منظر وجود ندارد ولی در سطح معناداری ۹۹ درصدی رابطه معناداری وجود دارد. متغیر تسهیلات، کیفیت و سازمندی دارای همبستگی منفی میباشد و با افزایش متغیر وابسته متغیر مستقل کاهش می یابد و متغیرهای مذکور با متغیر وابسته (حس تعلق به مکان) رابطه معناداری ۹۹ درصدی دارند. محله به عنوان یک نهاد اجتماعی دارای ابعاد مختلفی است. طراحی محله و فضاهای کالبدی آن در صورتی که بتواند پاسخگوی نیازهای مردم باشد، می تواند زمینه ی بروز فعالیت ها در محله تقویت نماید. ساکنین محلات مورد مطالعه در این پژوهش بامیانگین تحصیلات، سطح منزلت اجتماعی و مدت سکونت بالایی هستند که همه ی این موارد سبب افزایش شناخت آن ها از محیط زندگی خود خواهد شد. در نتیجه این شناخت، احساس تعلق به محله در آن ها افزایش می یابد و در ادامه موجب افزایش تمایل ساکنین به مشارکت بیشتر در امور محله و توسعه آن می شود که موجب افزایش مسئولیت آن ها در قبال محیط زندگی خود می شود. حس تعلق به مکان از آنجاکه هم ریشه در مدت و هم خاطرات ذهنی افراد (وقایع، تاریخ، سنت، فرهنگ و...) دارد و نیازهای اجتماعی و انفرادی افراد را برآورده می کند، می تواند تمامی تاثیرات مادی و معنوی محیط بر انسان را نیز شامل شود. در تحقیق پیش رو عامل طرح کالبدی به عنوان یک مولفه موثر در افزایش تعلق به مکان مورد بررسی قرار گرفت، چراکه ویژگی های کالبدی محله های مسکونی معیار اصلی رضایت از محل سکونت است و همه عوامل معرفی شده برای طرح کالبدی دارای رابطه معناداری با حس تعلق به مکان هستند. این حس ریشه عمیق

در مشارکت فردی در تعاملات اجتماعی محله دارد و محیط کالبدی انسان ساخت، اگر دارای کیفیت مطلوب باشد، در ایجاد این پیوند روحی و روانی سهیم است. فضای کالبدی محله، می تواند به گونه ای طراحی شود که ضمن تامین فعالیت ها، نمادی از هویت محله باشند. نتایج چنین پژوهش هایی می تواند در طراحی محلات مسکونی مناسب تر و عملکردی تر کمک کند و امکان طراحی محله های مسکونی را با اخلاقیت و ارائه ضوابط بهتر طراحی را فراهم آورد.



فهرست منابع

- پورجعفر، محمد رضا، ۱۳۷۶، نقش و جایگاه مسجد در برنامه ریزی و طراحی محله های شهرهای اسلامی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس
- چرخچیان، مریم، ۱۳۸۸، تبیین مدل دل بستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن، هنرهای زیبا، تابستان ۳۷، ۳۸-۴۸
- سجادزاده، حسن، پیربابایی، محمد تقی، ۱۳۹۰، تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی، باغ نظر، بهار، ۱۶، سال هشتم
- عینی فر، علیرضا، ۱۳۸۸، تحلیل رابطه طراحی کالبدی و تجربه محله مسکونی، هنرهای زیبا، زمستان، ۱۹، ۴۰-۲۸
- ۵لنگ، جان، ۱۳۸۶، آفرینش نظریه معماری، علیرضا عینی فر، دانشگاه تهران، چاپ سوم
- مک اندرو، ف، ۱۳۸۷، روانشناسی محیطی، ترجمه: غلامرضا محمودی، تهران، انتشارات زریاف
- ناطق پور، محمد جواد، ۱۳۸۳، توسعه و تعلق جمعی باتاکید بر نقش شوراها ی اسلامی، رشد آموزش علوم اجتماعی، زمستان، ۲۵، ۲۸-۳۲
- نقی زاده، محمد، ۱۳۸۷، شهر و معماری اسلامی، اصفهان، سازمان نظام مهندسی اصفهان
- Altman, I. (1993), ((Dialectics, physical environments, and pers al relationships)), Communication Monographs, 60, pp.26-34
- Bonaiuto, M., Fornara, F. and Bonnes, M.(2002),((Indexes of perceived residential environment quality and neighborhood attachment in urban environments: a confirmation study on e city of Rome)), Landscape and Urban Planning, 988, 1-12
- Cohen, Y.S. and Shinar, A (1985),((Neighbourhoods and F iendship Networks)), The University of Chicago, Chicago. Dovey, K., (1999), Framing places: Mediating power in bui form, London, Routledge
- Dovey, Kim, & Sarah, Heath, 1994((formal Expression and Social Identity, In kim Dovey et al, The Ackman Tour of European Housing)), Department of Architecture, The University of Melbourne, pp.69-71
- Einifar, Alireza, 1996,((The Role of Physical Design in the Experience of Neighbourhood)), unpublished Ph.D.Thesis, UNSW, Austrlia
- Fisher, C, 1976,((The Urban Experience)), Colombia, university
- Fried, Marc, 1982,((Residential Attachment: Sources of Residential and Community Satisfaction)), journal of Social Issues, 38, no.3:107-119
- Gerson, Kathleen et al. 1977,((Attachment to Place)), In claude S. Fischer, ed., Networks and Places: Social Relations in the Urban Setting, New York Free Press, pp.139-161
- Lynch, Kevin, 1960,((The Image of the City)), Cambridge, MA: MIT Press.
- Mesch, G.S. and Manor, O. (1998),((Social ties, environment I perception, and local attachment)), Environment and Behavior, 30:4, pp. 504-519.
- Michelson, William, 1977,((Enviromental Choice, Human Behaviour and Residential

Satisfaction)), Oxford University Press

Proshansky, H.M. et al. 1983, ((Place Identity: Physical World Socialisation of the Self)), Journal of environmental Psychology, 3: 57-83.

Rapoport, Amos, 1986, ((The Use and Design of Open Spaces in Urban Neighbourhoods)), In Deter Frick, ed., The Quality of Urban Life: Social, Psychological, and Physical Conditions, Berlin: Walter de Gruyter, pp. 159-175.

Rubinstein, RL and Parmelee, PA (1992), ((Attachment to place and representation of the life course by the elderly)), In I.

Shumaker, SA, and Taylor, RB. (1983), ((Toward a differentiation of people-place relationships: A model of attachment to place)), In N. R. Feimer and E. S. Geller (Eds.), Environmental Psychology: Directions and perspectives, New York, Praeger, pp. 119-251.

Stedman, R C. (2003), ((Is it really a social construction? The contribution of physical environment to Sense of place)), Society and Natural Resources, 16, pp. 671-685.

Wellman, B & Leighton, B. 1976, ((Networks, Neighborhoods and Communities: Approaches to the study of Community Question)), Urban Affairs Quarterly, vol. 14, no. 3



Copyright: © 2026 by the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی